مشروح گزارش جلسه علنی .....

بقیه‌ازصفحه ۸

● بحث مخالفین و موافقین

پس از سخنان نخست‌وزیر بحث مخالفین و موافقین در مورد صدارت آقای موسوی دروزارتخارجه آغاز شد. سیداحمد کاشانی(مخالف): مسئله را می‌خواستم مقدمتا به عرض نمایندگان محترم برسانم که پاره‌ای راهپیمایان رجائی اشاره کردند و مجددا متذکر می‌شوم و نتیجه‌گیری میکنم و آن مطالبی بود که مشکل بودن امرمخالفت درشرایط کنونی را میرساند شما می‌بینید آقای موسوی بعنوان کاندیدوزارت خارجه به رئیس جمهور معرفی شده بود و ایشان که اکنون برماهیتش کاملا روشن شده مخالفت کرده بود وزیربار وزارت ایشان نرفته بود و از یکطرف اخیرا با سرپرستی شورای ریاست جمهوری که سه نفر از افراد قابل اعتماد ما درآن حضور دارند و بخصوص بافقدان شهیدبزرگوار مرحوم دکتربهشتی بعنوان موید و مصوب ایشان طبیعتا باتوجه به این دوعامل امرمخالفت کارمشکلی است. علی‌الخصوص که شرایط وجود و ضربه‌ای که مادراثرانفجار درمحل حزب جمهوری اسلامی خوردیم ناراحتیهای بیشتری برای ما ایجاد کرده که انسان دلش نمی‌خواهد بعنوان مخالفت صحبت کند اما حقیقت قضیه اینجاست که یادهمین شهدائی که اخیرا از دست دادیم و چهره بسیاری از آنها که مظهر و سمبل حق‌جوئی و انجام وظیفه بود این حقیربخواهم بدون اینکه خدا راشاهدبگیرم کوچکترین برخورد فردی باکسی وجود داشته باشد خودراموظف میدانم آنچه راوظیفه خود میدانم وبیان کنم. اما مسئله دیگری که مشکل بودن مخالفت من را می‌رساند این است که من یکی از محورهائی که من حول آن می خواهم صحبت کنم وبه عقیده خودم مهمترین محوری است که درجامعه ما وجود دارد محور سیاسی و خط حکومت دراین جامعه است وآن عنصر ملی گرائی وعنصری که همیشه در مقابل عنصر اسلام دراین جامعه حضور داشته واین امر یک امر تاریخی است وچیزی قابل انکار نیست بطور کلی مطالبی دراینجا مطرح می شود که مربوط به آیتا... کاشانی یعنی پدراینجانب هست، این قضیه مشکل بوده کاررا بیشتر می کند وباز به همین دلیل احساس می کردم که نباید صحبت کنم ولی دنبالش فکر کردم شاید این هم حجابی باشد ومن نباید اجازه بدهم این حجاب درمقابل وظیفه‌ام قرار بگیرد ومجددا یادآوری شده که نمایندگان محترم توجه کنند آنچه را که استناد می کنم اگر مطالبی بود که درآن روابط شخصی وگرایشات خصوصی وجود داشت علاوه براینکه مد نظر قراربدهند به این حقیر هم تذکر بدهند تا خود را اصلاح کنم.

علت مخالفت بنده از آنجا سرچشمه می گیرد که دردورانی که دوران ابتدای تشکیل دولت موقت و گشایش روزنامه جمهوری اسلامی واصول کارها به روال عادی درنهادهای انقلابی درگیر ومشغول بودیم وفرصت مطالعه روزنامه‌های موجود را نداشتیم شما می بینید که در دورانی که آخرین مرحله از حکومت بنی صدر بود درجامعه ما جو خاصی حاکم بود وآن مردمی که پایبند به اعتقادات اسلامی وعلاقمند به روحانیت ومبارزات اینها بودند دراین جو مسایلی می دیدند یا محلهائی که احساس میکردند که باید با آن درد دل کنند درمیان میگذاشتند و می گفتند که مشخص است که حکومت دردست چه کسانی است ودرمراحل بعد نیز مشخص است که چه خواهد شد ولی پاره‌ای مسایل را می بینیم که در آن قابل تامل وگذشت نیست، اشاره میکردند به آنچه که در جریان خودی دراین جامعه میگذشت واز این بابت ناراحت بودند وبه بعضی مسایل اشاره میکردند ومن باید عرض کنم که فقط همان مقدار راتوانستم دراینجا عنوان کنم محور صحبت من برروی روزنامه جمهوری اسلامی است والبته آن موقعیکه آن برادران این مسایل را مطرح میکردند اینها را به عنوان وظیفه اولیه به پاره‌ای از مسئولین حزب این قضیه را مطرح کردم فرمودند که روزنامه به حزب ارتباطی ندارد وحداکثر بیش از ۱۵ درصد آن به حزب مرتبط نیست ولی مسلما مسئول روزنامه این چنین حرفی را نخواهد زد که روزنامه به من مربوط نیست مسئولیتش راهم قبول کردند.

مسئله دوم این است که در ۲۸ مرداد ۵۸ برادر بزرگوارمان آقای دکتر آیت مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل مستند از کودتای ۲۸ مرداد» به روزنامه جمهوری اسلامی داده بود وامضاء اسم ایشان در این مقاله وجود داشت. ابتدای این مقاله این جمله را می بینیم«مقاله زیر را آقای دکتر حسن آیت نوشته است» ولی لازم به یادآوری است که درج آن به معنی موافقت نویسندگان روزنامه جمهوری اسلامی با محتوای آن نیست این مسئله یک نکته در آن نهفته است اول اینکه آقایان آقای آیت را می شناسند و خط فکریش را پیش از انقلاب روشن بوده بنابراین نوشتن این جمله دربالای مطلبی که نویسنده امضاء کرده به معنی این است که ما این نوشته را قبول نداریم وشورای نویسندگان هم دراینجا نظری را اعلام کرده نظر شخص آقای موسوی ونویسندگان وجود دارد.

وی آنگاه به سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی به مناسبت ۳۰ تیر ۵۸ و عکسهائی که روزنامه‌ها از مراسم ۳۰ تیر چاپ شده بود اشاره کرد واز آن انتقاد کرد وسپس قسمتهائی از مقاله را قرائت کرد که در آن از مصدق تجلیل شده بود وگفت متاسفانه اگر چنانچه به پیامهای امام از همان ابتدای که درخارج از کشور بود یک مقدار توجه می شد این مطالب عنوان نمی شد.

وی پس از آن به مطلب دیگر سرمقاله ۱۴ اسفند ۵۸ تحت عنوان«مصدق فرزند رشید خلق» روزنامه جمهوری اسلامی اشاره کرد و قسمتهائی از آن را خواند وگفت یک چنین تجلیلی ماحفی کردن یک حقیقت بزرگ درجامعه است وآن حقیقت این است که همیشه جهت تاپیش از پیروزی وتسلط رهبران اسلامی بظاهر مخالف حریف بود. شما می توانید این موضع آقای بنی صدر را درکنار این گروهکها پیش از انتخابشان ببینید پیش از انتخاب بظاهر رودررو وبظاهر مخالف وحتی درمراسم ۱۴ اسفند فریاد می زند که«آره اینها را به لیبرال متهم کنید فعلاً پستهائی بالاتر از مقام وزارت امور خارجه دارند که اسم نخواهم برد. گذشته از این روزنامه جمهوری اسلامی ارگان حسین موسوی که نیست بلکه ارگان حزب جمهوری اسلامی ایران است که خود برادران مخالف هم آنرا حزب ا... می‌شناسند اگر انتقادی ازاین بابت وارد باشد بر حزب است نه بر سر دبیر و یا صاحب امتیاز آن. تازه باید دید در حوادث ۱۴ اسفند ۵۹ که ضد انقلاب زیر پوشش مصدق دست به مبتذل‌ترین عرض اندامهای سیاسی زد و حتی قبل و بعد از آن آیا آقای موسوی چنین مقالات و اظهار نظرهائی هم نموده است مسلماً پاسخ منفی است. راستی اگر ملاک قضاوت ما قرار است سرمقاله‌های روزنامه جمهوری اسلامی که عموماً بقلم سردبیر نگارش می‌یابند باشد چرا منصفانه همه سرمقالهها را از ابتدای انتشار تاکنون مورد تحلیل و ارزیابی قرار نمی‌دهیم. و با یک بینش صادقانه آنها را نقد نمی‌نمائیم بلکه بسراغ ضعف و انحرافهای احتمالی و کوچک می‌رویم؟ اتهام دوم آقای موسوی بی‌خط بودن ایشان است و این بسیار ناچسب است و رقت بار ، چطور ممکن است کسی که مورد تایید آقایان بهشتی و خامنه‌ای و هاشمی باشد مشمول این اتهام واقع شود مخالفین اظهار میکنند که آقای موسوی در یکی از سرمقاله‌های خود نام چهار تن از نمایندگان تندرو قابل بحث مجلس را بعنوان نمایندگان عضو جناح انقلابی مجلس اسم می‌برد و این دلیل بر بی‌خطی وی است. حداقل ما در این یکسال و چند ماه مجلس دیدیم که خیلی از قضاوتهای صاحب نظران در باره اشخاص غلط از آب در آمده است آیااین را میتوان بهانه و وسیله رد افراد قرار داد؟ برادران مخالف باید بروند و از آقای موسوی نقطه‌نظرهای فعلی ایشان را در باره عملکرد افراد مورد نظر سئوال کنند و آنگاه عادلانه به قضاوت نشینند. اتهام سوم آقای موسوی سوسیالیست و یا حداقل جنبش مسلمانان مبارزی بودن ایشان است. این مورد هم در باره ایشان به آن معنا صادق نیست زیرا اگر کسی خالصانه از ارزشهای ناب اسلامی و حقوق بر باد رفته مستضعفان دفاع نمود و با وابستههای مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم خصومت بخرج داد و از رشد سریع برخی از شاخکهای بازار دلواپس بود و با آنها از موضع اسلام سرستیز داشت آیا چنین فرد اباذر منشی سوسیالیست و امتی است؟ یقیناً خیر.

اما ادله موافقت اینجانب با آقای موسوی در احراز پست وزارت امور خارجه بهترین دلیل بر صلاحیت و حزب الهی بودن ایشان مخالفت شدید بنی صدر با وزیر شدن ایشان در گذشته است. نمایندگان محترم کمابیش مطلعند که آقای موسوی از ابتدای تشکیل کابینه برای این پست مطرح بوده است و بنی صدر که سیاستش ایجاب میکرد که با انقلابیون طراز اول حزب الهی در امر ورود به‌کابینه مخالفت کرد و همیشه پس از قدری کلنجار و بهانه تراشی با افراد درجه دوم و مسالمت آمیزتر موافقت می‌نمود. هیچگاه با وزارت افرادی از قبیل موسوی و جلال موافقت نکرد. و از موضع قاطع نه شرقی و نه غربی بودن آنها وحشت داشت. و با عوامفریبی و زیرکانه آنها را تحت الشعاع قرار میداد. دلیل دیگر اینجانب بر صلاحیت آقای موسوی تفکر منطقی و اصالت اندیشه اسلامی ایشان است که آنرا طی دو سال گذشته از لابلای مقالات و نوشته‌های ایشان و بعضی موضع گیریشان در نشستهای مسئولان کشوری استنباط کرده‌ام و این معنا دقیقاً بر دیگر نمایندگان محترم نیز پوشیده نیست. اصل درخشان انقلاب یعنی نه شرقی و نه غربی و حرکت بر اساس موازین اسلامی از شاخصهای تفکر اصیل و اسلامی آقای موسوی است. ایشان در روزهای حساس و خطرناک انقلاب بدون هیچ‌گونه محافظه‌کاری و سازش حرکتهای انحرافی چپ‌نمایانه و راست‌گرایانه را که توسط ابرقدرتها در صحنه مناسبات اجتماعی و سیاسی جامعه ما القاء و گسترش می‌یافت با قلم شیوای خود مورد حمله و تجزیه و تحلیل و نقد قرارداده و با روشنگری و ارشاد و بس هنرمندانه مج ضدانقلاب را برای مردم باز می‌نمود دلیل بر این مدعا کلیه مقالاتی است که بقلم ایشان در افشا و انزوای خطوط انحرافی اعم از خط سازش با سرمایه‌داری، خط نفاق، خط الحاد و ارتداد، خط لیبرالیسم و غرب‌گرائی و سایر خطوط مودیانه دیگر در روزنامه جمهوری اسلامی نگارش یافته است. مخالفین محترم می‌گویند آقای موسوی در طول مدت سردبیری خود در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی براساس اصل نه شرقی و نه غربی چیزی ننوشته است، این حرف هم قابل پذیرش نیست زیرا در حالیکه میلیونها انسان مسلمان و آزاده ایرانی در صدها تظاهرات پرخروش و سیل‌آسای خود شعار مرگ بر ابرقدرتها را سر داده‌اند، آیا ممکن است تجلی این همه خروش انقلابی در نوشته‌های سردبیر یک روزنامه پرتیراژ مملکت انعکاس پیدا ننماید؟ از این گذشته آقای موسوی تا آنجا که من شنیده‌ام درنگارش کتابچه مواضع ما مخصوصاً در صفحات مربوط به سیاست نه شرقی و نه غربی سهیم و صاحب نظر بوده است و این خود حاکی از متخصص بودن و دست‌اندرکار بودن ایشان در سیاست خارجی در چهارچوب اصل نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی است. نمایندگان محترم، در پایان اخطار میکنم مخالفت و رد صلاحیت آقای موسوی از پست وزارت امور خارجه بمنزله انزوا و تصفیه ایشان و همفکران ایشان ازانقلاب است. اگر خدای ناکرده قرارشود موسوی‌ها هم از انقلاب کنارگذارده شوند من می‌پرسم کدام خط سیاسی پیروز خواهد شد و کدام پیش‌بینی درست از آب درخواهد آمد لحظه‌ای بیندیشید.

آیت (مخالف): من با اینکه اسم نوشته بودم در این شرایط حساس که ملت ایران عزادار است نمی‌خواستم صحبت کنم اما دو محظور هم وجود دارد یکی اینکه گفتم و دیگر اینکه مخالفت من باعث سوءاستفاده نشود و از طرفی هم هنوز بوی خون پاک شهدا از دفتر حزب جمهوری اسلامی به مشام میرسد و هنوز مرکب عزل رئیس جمهور بی‌کفایت خشک نشده است از این جهت که بعد تاریخ قضاوت بدی نکند تمام مطالب را دراین خلاصه می‌کنم که دوست قبلی ما گفتند که نظریات آقای موسوی در باره مصدق مربوط به گذشته کاری نداریم که این گذشته سال ۵۸ و سال نزدیک به ما سال ۵۹ است اگر ایشان (موسوی) همین الان هم به این سئوال من پاسخ بدهند شاید مسئله حل شده است که آیا ایشان مصدق امام را قبول دارند که امام می‌فرمایند «مصدق به اسلام سیلی زد»، «مصدق مسلم نبود»، در زمان مصدق در چشم سگ عینک زدند و رویش نوشتند آیتا... در زمان مصدق روزنامه «ورش» که مورد تائید مصدق هم بود تصویر آیتا... کاشانی را بصورت سگ ومار و عقرب می‌کشید آیا این مصدق را قبول دارند یا مصدق سرمقاله ۲۸ تیرماه ۱۳۵۸ و ۱۴ اسفند ۱۳۵۸ و مقاله اخیری که تحت عنوان «خیابان مصدق» نوشتند، کدام یک ازاین دو مصدق را ایشان صریحاً بگویند که بعد از بیانات امام قبول دارند؟ آیا در سلسله مقالاتی که (اسم نامفهوم) نامی در روزنامه جمهوری اسلامی نوشته بود و این را یک عمل ضدامپریالیستی قلمداد کرده بود این را قبول دارند یا رفراندمی را که امام فرمود تقلبی بود و به منظور تحویل قانون اساسی آمریکایی بود و سر الاغ رای بسته بودند و بردند در صندوق مخالفین انداختند و همینکه سایر خطوط که اشاره شد مطلب زیاد است ولی دلم می‌خواهد کمه به این سئوال ایشان جواب بدهند.

دکتر هادی (موافق): من با توجه به تاثیر عمیقی که فقدان این عزیزان در متن گذاشته است و بخصوص فقدان چهره مقاوم محمد منتظری هیچگونه آمادگی برای صحبت نداشتم اما با توجه به مطالبی که گفته شد این را ظلم می‌دانستم که چند جمله پیرامون برادرمان آقای موسوی در رابطه با حرفهای گفته شده جمله‌ای عرض کنم آقای دکتر آیت طبق شیوه همیشگی همه حرفهایش را زدند و گفتند وقت نداریم، شما ۲/۵ ساعت وقت دارید و هر چه مطلب دارید شما را به خون شهدا قسم بیائید بگوئید ولی نمی‌دانم که شما مطلبی ندارید و مطالب را گفتید.

اما در رابطه با سیاست خارجه، بارها پیرامون اهمیت سیاست خارجی گفتگو شده است من اگر وقت داشتم در بحث عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر یکی از دلایل من معلق گذاشتن وزارت امور خارجه بود که در مقایسه با کل کشور کمتر از نصف مسائل را در نظر کیفیت تدارد و مخصوصا انقلاب اسلامی ایران که شعارهائی که مطرح شده از انقلاب و شعارهای امام و قانون اساسی و ایستادن جمهوری اسلامی در کنار کلیه مسلمانان جهان، اهداف سیاست خارجی، بزرگترین مسئولیت را به عهده وزیر امور خارجه میگذارد و این پست از ابتدای انقلاب دچار نابسامانی عجیب بود و در تمام دوران هرگز نتوانسته است که نقشی را که داشته است ایفا کند.

آنچه در وزارت امور خارجه مهم است این است که گردانندگان وزارت امور خارجه و بسیاری از گردانندگان سیاست خارجی به عظمت انقلابی پی نبرده بودند و لذا یک برخوردهای انفعالی داشتند.

آقای موسوی در این شرایط لایق احراز این مقام هستند به دلایل زیر: آقای موسوی یکی از تدوین کنندگان سیاست خارجی حزب جمهوری هستند و در آنجا دقیقا خط ضدامپریالیستی به چشم میخورد ایشان دقیقا میدانند که چه سیاست خارجی را پیگیری کنند که سیاست خارجی انقلاب و امام باشد ایشان دقیقا خط انحراف و التقاط را می‌شناسند و مواظبند مثل زمان آقای قطب زاده آدمهای وارده به وزارت راه پیدا نکنند وی در پایان به کفایت آقای موسوی در اداره روزنامه جمهوری اسلامی و انحراف در روزنامه‌های دیگر ومشکلات اداره روزنامه اشاره کرد و آن را دلیل بر مدیر بودن ایشان دانست.

آنگاه مهندس میر حسین موسوی در مورد مسائل مطرح شده و سیاست کار خودسخنانی بدین شرح ایراد کرد:

این موقعیت که این تصاویر شهدا انسان را محاصره کرده‌اند و ما هفته پیش این مراحل را دیدیم مذاکره و گفتگو و صحبت داشتیم والان در اینجا که صحبت میکنم کمی دشوار است برادران در حزب با ید دیده باشند تا حس کنند که وقتی در شورای مرکزی حزب ما هفت همکار را از دست میدهیم چه معنائی میتواند داشته باشد مخصوصا یکی از برادران دکتر بهشتی باشد. ولی با این‌وضع در ارتباط با صحبتهائی که برادران کردند من نمیخواهم که جواب تک تک آنها را بدهم واقعا حق این کار را ندارم بلکه من بحث راخیلی مختصر از نقطه‌ای شروع میکنم که در ارتباط با برنامه وزارت امور خارجه هم میتواند باشد و آن مسئله ملیت گرائی است روزنامه جمهوری اسلامی از اول شروع کار خود یک جهت گیری و موضعگیری قاطع در مقابل ملی گرائی داشته است. سعی کرده در این زمینه تحلیل داشته باشد و مطالب را بازکند علت این مسئله هم این بود که در حدود ۵۰ سال در رژیم سابق در جهت هویت ملی و ناسیونالیسم در ایران کار شده بود. نه تنها در کشور، بلکه در تمام کشورهای خاورمیانه وکشورهای جهان سوم. یک سیاستی که در رژیم سابق در این زمینه اعمال میشد مخصوص کشور ما نبود و ما این حرف را در مقالات مختلف ذکر کردیم در این مقالات صریحا این جمله یادم است که بارها من نوشتام که ناسیونالیسم در کشور اسلامی کانال عبور از استعمار کهن به استعمار نو است و یک بخشی از عربزدگی است مسئله ملیت گرائی اگر در کشورهای اروپائی بخاطر یک تغییرات اجتماعی اقتصادی آنی در قرن ۱۸ و ۱۷ اتفاق می‌افتد، در کشور ما یک جنبه وارداتی دارد و از خارج به سمت ما صادر شده است، و هدف آن هم در جهت تکه تکه کردن کشور اسلامی و از قرن ۱۹ به بعد در کشور ما اعمال شده است. طبیعتا بی انصافی است که روزنامه جمهوری اسلامی به عنوان مدافع خط ملی گرائی مورد حمله قرار بگیرد، این را قبول نمی‌کنیم، من فکر میکنم که این توهین به خوانندگان روزنامه هم هست شما صحبتهای امام را توجه بکنید مخصوصا جاهائی که در مورد ملی گرائی صحبت کرده ما در این زمینه بزرگترین و بهترین تیترها را انتخاب کردیم در عین حال ما معتقد بوده وهستیم مسئله ملیت گرائی بسیار مسئله عمیقی است مسئله‌ای است که سالهای سال ما با آن روبرو خواهیم شد.

در کشور عربی بخاطر جو قراردادی که نسبت به رژیم سابق وجود داشته درباره ملیت گرائی بحث هائی بوده و کتابهائی نوشته شده در کشور ما بجز کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران نوشته شهید آیت الله مطهری کتاب دیگری بصورت تئوری نداریم شکی نیست که اگر ما مسئله ایرانیت و اسلامیت را مورد بحث قرار ندهیم و تمام جوانب این قضیه را باز نکنیم نه تنها در سیاست خارجی بلکه در سیاست داخلی دچار گسگیهای فراوان خواهیم بود این توضیح میتواند روشنگر مسائل روزنامه باشد.

در مورد مسئله مصدق و مرحوم آیت الله کاشانی، این موضع را داشتیم و مصر هم بودیم این هست که مسئله مربوط به ۱۳۳۲ را، ۲۰ سال پیش و سالهای پیش را نباید مسئله عمده بکنیم وقتی مسئله در جامعه ما عمده میشود بخاطر یک بهره گیریهای سیاسی خطوط مختلف است، خود امام امت هم این مسئله را عمده نکردند بلکه در موقعیت مختلفی که پیش آمد ایشان ضربه‌ای در این زمینه زدند و هشداری دادند، این سیاست ما بوده و ما بارها، و پیادم است در درجلساتی که کاشانی و مصدق مطرح شد من گفتم این خط زمانی است یعنی ما یک واقعیتی که مربوط به یک دوره دیگر است بیائیم و بیاوریم درموقعیت فعلی وجریانات راطوری تصور بکنیم که دنبال یک کاشانی دیگر یک مصدق دیگر جریانات مشابه آن بوده باشد این بکنوع سیر تاریخی است. یک خط تاریخی وزمانی است ما به واقعیتهای تاریخی میتوانیم برگردیم و از آن عبرت بگیریم و به یک اصولی پی ببریم و آن اصول را درموقعیت فعلی بکار گیریم ولی اگر اینطور باشد که ما بعد از گذشت سالهای متمادی الان سرمسئله مصدق و آیت‌الله کاشانی بصورت شخص تاکید کنیم من فکر میکنم که اشتباه میکنیم وی در رابطه باسیاست خارجی گفت: راجع به سیاست خارجی برادران ما درهیئت دولت برنامه‌ای نوشته‌اند که آن موقع ما درخدمتشان بودیم و کمک مختصری هم کردیم کاملاً دراینجا خطوط سیاست خارجی مشخص است در ارتباط با مستضعفین جهان، نهضتهای آزادی‌بخش نه شرقی نه غربی فلسطین و مقابله باآمریکا، و همچنین یک مطالبی است که در ارتباط با بازسازی خود وزارت امورخارجه یا سفارتخانهها که البته همانطور که یکی از برادران اشاره کرد ماانتظار معجزه نباید داشته باشیم وزارتخانه‌ای است که درعرض ۲ سال چند تا وزیر عوض کرده مدتی بی رژیم باقی مانده نظام ارزشی رژیم سابق شاید بیش از همه وزارتخانهها دراین وزارتخانه گسترش وپوشش داشته است طبیعی است که یک نهادی بوده باشد که کاملاً تنظیم شده باشد برای برآوردن اهدافی برای رژیم سابق که حدس میزنید که چگونه اهدافی میتواند باشند

● اهداف درباره وزارت خارجه

مالاان مجبوریم که درروبرو با وزارتامور خارجه اولاً اهداف خودمان راتعریف کنیم و براساس این اهداف تازه یک ساخت دوبارهای را برایں نهاد حاکم کنیم به شکلی که نهاد هماهنگی داشته باشد و به ما کمک کند برای اینکه به آن آرمانها و هدفهای خودمان برسیم، تا وقتیکه ماهداف خود را تعریف نکرده باشیم وبی هم نبرده باشیم که تمام نهادهای بدنی ماازتمام ادارات بدون اینکه به اشخاص کاردداشته باشیم (درنهادها مسئله اشخاص از نهادها جداست) ساخت ادارات ما یک طوری است که برآورنده اهداف رژیم سابق است ممکن است دریک اداره تمام افراد آن اداره افرادمکتبی وخوب باشند ولی نظام و روابطی که آنجا حاکم است کلاً این نهاد را به شکلی سامان میدهد که برآورنده یک اهداف دیگر است. پس در وهله اول باید اهداف خودمان را تعیین وتعریف کنیم و دراین لیستی که هیئت دولت تهیه کرده وقبلاً هم بارها ظاهراً دراینجا خوانده شده این اهداف برشمرده شدند.

مسئله دوم برخورد با واقعیتهای بیرونی ماست این واقعیتها برمیگردد به این نهادی که ما با آن روبرو هستیم به عنوان سفارتخانهها.

من بطور مختصر می‌خواهم به عنوان خدمت آینده برای برادران خواهران ذکر کنم این مسئله است که هرکشوری برای اعمال سیاست خارجی از یک سری نیروهایی استفاده می‌کند، فرضاً آمریکا ازنیروی نظامی، اقتصادی از وابستگیهای ظریفی که بین کشورهای مظلوم وتحت سلطه بااین ابرقدرت و یک کشورما بوجود آورده است و شوروی هم همینطور ازجاسوسها و ستون پنجمش. ما برای اعمال سیاست خارجی خود احتیاج به نیرو داریم چه نیرویی ممکن است ما تعریف کنیم به نفت ونظایر اینها من می‌خواهم بگویم راهی که ما درسراسر جهان برای اعمال سیاست خارجی خودمان درپیش بگیریم به هیچوجه اینهانیست چیزی که ما باید بکار ببریم و می‌توانیم حرکتی در سیاست خارجی ایجاد کنیم آن امید زنده گشتن درمیان تودههای مستضعف جهان است که دارند به کشوری نگاه می‌کنند که این کشور بدون اتکاء به شرق و غرب، بدون اتکاء به هیچ ابرقدرتی روی پای خودش ایستاده و حرکت خودش را به سمت رهایی تام و تمام ادامه میدهدواین نیروی فطری که طبیعی است که این انقلاب ما درجاهای مختلف جهان برانگیخته بشود این نیرو در سراسر جهان بصورت یک عامل فشار اهرم و مبارزه درمقابل استکبار جهانی می‌تواند بکار گرفته شود.

و می‌تواند درعین حال به عنوان بازدارنده درمقابل حملات استکبار جهانی به کشورها باز هم بکاررود بشرطی که این نیرو شناخته شود و گسترش بیابد و از آن بهره‌گیری صحیح‌بشود البته‌مسایل دیگردرارتباط با وزارت امورخارجه هست مشکلاتی درآنجا مطرح است و دراین دوسال و این ۸، ۹ ماه اخیر خیلی زیاد مورد بحث قرار گرفته ومن احتیاج زیادی نمی‌بینم که توضیح بدهم.

پس از رای گیری علنی با ورقه ازمجموع ۱۸۲ نفر نماینده حاضر با ۱۲۶ رای موافق و ۸ رای ممتنع تصدی آقای میرحسین موسوی در وزارت امورخارجه مورد تصویب قرار گرفت (لازم به تذکر است که ۱۵ تن از نمایندگان جدید حق رای نداشتند) مجلس درساعت ۱۲/۳۰ بکار خود پایان داد و امروزتیزجلسه علنی دارد.

زندگینامه برادر موسوی وزیر جدید امور خارجه

میرحسین موسوی که بعنوان پنجمین وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران انتخاب شده است در سال ۱۳۲۰ در خامنه قصبه‌ای نزدیک تبریز متولد شد. وی پس از طی دوران دبیرستان وارد دانشگاه ملی شد و در رشته معماری و شهرسازی درجه مهندسی گرفت. موسوی طی تحصیل در دانشگاه همراه چند تن از دوستان خود اولین انجمن اسلامی دانشگاه ملی را پایه‌گذاری کرد. بعد از اتمام دانشگاه شرکت سمرقند را که در حقیقت پوششی برای مبارزه با رژیم سابق میشد با همان دوستان تاسیس کرد. در اوائل سال ۵۲ تمام افراد این انجمن در یورش ساواک دستگیر شدند که بعد از مدتی بعلت فقدان دلیل تقریباً همه اعضاء آزاد شدند. از سال ۱۳۵۳ با سمت استادیاری رشته معماری به تدریس تاریخ و هنر در دانشگاه ملی پرداخت و در سال ۱۳۵۵ با چند تن از برادران مسلمان جنبش مسلمانان ایران را پایه گذاری کرد.

مهندس موسوی بعد از پیروزی انقلاب به عضویت شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی درآمد و با همکاری برادران دیگر روزنامه جمهوری اسلامی ارگان حزب جمهوری اسلامی را پایه‌گذاری کرد و مدیر مسئول و سردبیر این روزنامه شد.

موسوی در فاصله اردیبهشت ۱۳۵۸ تا استعفای دولت موقت در شورای انقلاب عضویت داشت. وزیر جدید امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به زبان انگلیسی آشنائی دارد و متاهل و دارای دو فرزند میباشد.

احکام دادگاه انقلاب اسلامی بروجرد

خرم آباد- بحکم دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان بروجرد ٤ تن بجرم شرکت درتظاهرات غیرقانونی- ایجاد درگیری خیابانی وفعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی به ۱۰تا۵ سال زندان محکوم شدند.

دراین گزارش آمده است احکام صادره این دادگاه بدین شرح است: جهانبخش یگانه یوسفی فرزند جواد به جرم ایجاد درگیری خیابانی به دو سال حبس تادیبی- علی ابوالفتحی فرزند محمود بجرم فعالیت علیه جمهوری اسلامی به دوسال حبس تادیبی- منوچهر بروجردی فرزند محمد حسین بجرم شرکت درتظاهرات غیرقانونی به یکسال حبس تادیبی وعباس گودرزی فرزند غلامعلی بجرم درگیری خیابانی به پنج سال حبس تادیبی و۱۵ ضربه شلاق محکوم شدند.

دیدار خواهران بسیج تبریز با آیتا... مدنی

تبریز- پیش از ظهر دیروز خواهران اعضای بسیج مستضعفین تبریز و اعضای مکتب زینبیه و فاطمیه تبریز به حضور آیت‌الله مدنی نماینده امام در آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز رسیدند و فاجعه جانگداز شهادت آیت‌الله دکتر بهشتی و دیگر یاران امام را به ایشان تبریک و تسلیت گفتند.

تلگرامهای جداگانه فرماندارقزوین

ازسوی فرماندارشهرستان قزوین طی تلگرامهای جداگانه‌ای شهادت ۷۲ تن ازبهترین یاران امام به حضورآیتاله منتظری حجج اسلام هاشمی رفسنجانی و دکترباهنر، علی‌اکبر نوری و آقای مهدس محمدتقی فیاض‌بخش تبریک و تسلیت گفته شد.

اعدام سه تن از متهمین دادگاه انقلاب

همدان- دادسرای انقلاب اسلامی همدان پس از رسیدگی به پرونده سه تن از متهمین این دادگاه آنان را به اعدام محکوم کرد و حکم صادره پس از تائید شورای عالی قضائی بامداد دیروز در همدان به مرحله اجرا درآمد. در این گزارش اسامی محکومین و موارد اتهامی بدین شرح ذکر شده است: ۱- مریم حلوجیی فرزند عباس بجرم انجام عمل زنای محصنه ۲- علی نوروزی فرزند عبدالله به جرم اختفاء یک کیلو و ۶۵۰ گرم هروئین و سابقه فروش ۳- براتعلی قاسمی فرزند عبدالوهاب به جرم حمل ۲۵۲ گرم هروئین

انفجار یک بمب صوتی درارومیه

ارومیه: ساعت بیست و چهاروسی دقیقه سه شب پیش یک بمب صوتی زیرپک اتومبیل سواری پیکان واقع در خیابان آراماگاه ارومیه کوچه اردشیرمنفجر شد یک منبع آگاه درشهربانی ارومیه ضمن تائید این خبر گفت براثر انفجار بمب اتومبیل مذکور متلاشی و شیشه‌های خانه‌های اطراف شکسته شده است وی گفت این انفجار تلفات جانی نداشته است و حریان واقعه از سوی مامورین انتظامی تحت بررسی است.

کشته شدن یکی از اعضا مجاهدین خلق در بابل

ساری- مهدی یگانگی یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق که بعلت فعالیتهای ضدانقلابی از مدتها قبل تحت تعقیب سپاه پاسداران بابل بود روز گذشته در یکی از کوچه‌های خیابان دکترشریعتی این شهر بدون توجه بفرمان ایست سپاه پاسداران در حین فرار مورد اصابت ۵ گلوله قرار گرفت و نامبرده پس از انتقال به بیمارستان جان سپرد.

اطلاعیه دفتر آیت‌اله شیرازی

مشهد- خبرگزاری پارس- بدنبال فاجعه جانگداز انفجار بمب در ساختمان مرکزی حزب جمهوری اسلامی درتهران که بدست دشمنان اسلام وانقلاب اسلامی ایران صورت گرفت ودر پی تلگرامهای تسلیتی که درهمین مورد از سوی گروهها وافراد مختلف به حضور آیتاله العظمی شیرازی مخابره گردید دفتر ایشان فیروز طی اطلاعیه از اینکه به یکایک این تلگرام ها با توجه به فرا رسیدن ماه مبارک رمضان جواب داده نشده است عذر خواهی کرد و مراتب تشکر آیتاله العظمی شیرازی را به آنان ابلاغ نمود.

پیام اساتید دانشکده الهیات مشهد به مجلس شورای اسلامی

این پیام از سوی اساتید وکارکنان دانشکده الهیات ومعارف اسلامی مشهد به مجلس شورای اسلامی فرستاده شد

بسمه تعالی

حجت‌الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی شهادت برادر مجاهدمان آیتاله دکتر بهشتی وهمرزمانش منجمله شهید دکتر قاسم صادقی و شهید سیفاله عبدالکریمی نمایندگان مجلس و دواستاد این دانشکده که بدست خائنان بی منطق درفاجعه دفتر حزب جمهوری اسلامی رخ داد را به نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تبریک وتسلیت میگوئیم. امید است شجره طیبه جمهوری اسلامی باخون پاک شهدا هرچه ثابت تر ورفیع‌تر گردد.

تشییع جنازه یک عضو سپاه پاسداران

همدان- یکی از اعضای سپاه پاسداران همدان براثر تصادف موتورش با یک اتومبیل کشته شد. به گزارش رسیده پیکر مهدی ضیافر مقتول این حادثه دیروز در همدان تشییع و به خاک سپرده شد.

اطلاعیه ارگانها و نهادها به مناسبت .....

بقیه‌ازصفحه ۸

● حزب الدعوه اسلامی

در قسمتی از این اطلاعیه آمده است:

فاجعه عظیم شهادت دکتر بهشتی و سایر یاران با وفای امام امت گر چه قلب ما و قلب تودههای مستضعف ملیون جهانی بدرد آورد، لیکن ثمره عاجل این شهادت بزرگ را در همین روزها ببینیم می‌بینیم، می‌بینیم چگونه صفهای ملت فشرده‌تر و مشتهای آن محکم‌تر و صدای آن رساتر گردید، می‌بینیم چگونه شگردها و توطئه‌های منافقین و دشمنان داخلی انقلاب اسلامی و حامی آنان شیطان بزرگ افشا و بر ملا شد، و امت ما بیش از پیش آگاه و بیدارتر گشته است.

● سایر ارگانها و نهادهای انقلابی واسلامی

گروه امداد خیر- انجمن اسلامی سازمان انرژی اتمی- کارکنان اداره مخابرات قم- نهادهای انقلابی شهرستان بویراحمد، یاسوج- کارکنان متعهد مرکز بهداشت صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران- رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان مراغه- انجمن اسلامی معلمان چالوس- آموزش و پرورش رفسنجان- جماعت مسجد علی بن‌ابیطالب- حزب جمهوری اسلامی مراغه- مرکز تبلیغات اسلامی قائمشهر- انجمن‌های اسلامی بانک ملی شعب استان مازندران- انجمن اسلامی پیروان ولایت فقیه آسیاب